

توزیع متفاوت مؤلفه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان چپ دست و راست دست

A differential distribution of entrepreneurial traits in left- and right-handed students

احمد علی پور^۱، فرهاد شقاقی^۲ و زیبا برقی ایرانی^۳A. Ali Poor¹, F. Shaghagh² & Z. Barghi Irani³

Abstract: The present study aimed at exploring the relationship between entrepreneurial traits and handedness among school students in Tehran. This was a causal-comparative study and data were collected using records and questionnaires (Entrepreneurship Character Questionnaire and Edinburg Handedness Inventory). In this study, the statistical population comprised all students from the 22 educational zones in Tehran. A sample of 1200 students was selected by a random cluster sampling procedure and after the distribution of questionnaires, a total of 1101 questionnaires were returned. In order to analyze the obtained data, apart from descriptive techniques such as means, standard deviations and graphs, multivariate analysis of variance and one-way analysis of variance were used. Findings revealed a significant relationship between the entrepreneurial character traits of riskability and entrepreneurship success and handedness, with greater riskability among left-handed participants than in right-handed participants. However, the entrepreneurship success seeking trait was found to be greater in right-handed participants.

Keywords: entrepreneurial traits, handedness, students

چکیده: هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های کارآفرینی با دست برتری در دانش‌آموزان مناطق بیست و دوگانه‌ی استان تهران است، این تحقیق از نوع علی مقایسه‌ای بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی و پرسشنامه‌ی دست برتری ادینبورگ) استفاده شده است، جامعه‌ی آماری این تحقیق دانش‌آموزان مناطق بیست و دوگانه استان تهران بوده و حجم نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۱۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد که پس از توزیع پرسشنامه‌ها ۱۱۰۱ پرسشنامه جمع‌آوری شد. به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده علاوه بر روش‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار متغیرها و نیز رسم نمودارهای لازم از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری، تحلیل واریانس یکراهه برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. با توجه به نتایج به دست آمده رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در مؤلفه‌های ریسک‌پذیری و توفیق طلبی مشاهده شد. بدین صورت که ویژگی ریسک‌پذیری در چپ دست‌ها به طور معنی‌داری بیشتر و در ویژگی توفیق طلبی راست دست‌ها بیشتر است ($p=0/05$).

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های کارآفرینی، دست‌برتری، دانش‌آموزان

1. Professor of Psychology University of PNU

۱. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

2. Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad University, Abhar Branch

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ابهر

3. Corresponding Author: Ph. D student of psychology, University of PNU (kimia2010@gmail.com)

۳. نویسنده‌ی رابط: دانشجوی دکتری و مربی روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۲۰ - پذیرش مقاله: ۹۱/۶/۲۵

مقدمه

فرصت‌های کارآفرینانه از عوامل مهم توسعه اقتصادی به شمار می‌روند. اخیراً توجه قابل ملاحظه‌ای به شناخت کارآفرینان شده است. کارآفرینی^۱ و مباحث مربوط به آن را با توجه به این که در حوزه‌های مختلف دانش از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد مورد توجه قرار گرفته‌اند می‌توان به عنوان یک موضوع بین رشته‌ای قلمداد کرد. این موضوع نشان‌دهنده‌ی وسعت بحث کارآفرینی از یک سو و پیچیدگی آن از سوی دیگر است. با نگاهی گذرا به مجامع علمی کشور به آسانی به مسائل و مشکلاتی می‌توان اشاره نمود از جمله: بیکاری، کیفیت پائین زندگی، توزیع نامتناسب درآمد، عدم بهره‌برداری مناسب از منابع و در نتیجه بهره‌وری پائین ملی که می‌توان با توسل به کارآفرینی به رفع آنان اقدام نمود (هیأت نویسندگان، ۱۳۸۳) و این زمانی محقق خواهد شد که فرهنگ کارآفرینی و شناخت کارآفرینانه ایجاد و گسترش یابد، در شناخت کارآفرینی یکی از موضوعات مهمی که مطرح بوده و تحقیقات زیادی را در این دوران به خود اختصاص نموده، درک ویژگی‌های کارآفرینان و نحوه برخورد و تصمیم‌گیری و حل مسئله به دست آنان است. لغت نامه‌ی ویستر^۲ (۱۹۸۶) کارآفرین را به عنوان فردی تعریف می‌کند که می‌تواند خطرهای مربوط به یک فعالیت اقتصادی را مدیریت کند. کارآفرینی را نخستین بار کانتیلون^۳ تعریف کرده است. از نظر وی کارآفرینی کیفیتی است که افراد را قادر می‌سازد تا یک فعالیت اقتصادی جدید را شروع کنند یا با قدرت و به طور نوآورانه فعالیت اقتصادی موجود را توسعه دهند (کلیبی^۴، ۱۹۷۱). شومپتر^۵ (۱۹۳۴) نیز کار کارآفرین را تخریب خلاق^۶ تعریف می‌کند. به نظر وی تخریب خلاق به عنوان یک

1. entrepreneurship
2. Websters new collegiate dictionary
3. Cantilon
4. Kilby
5. Shompiter
6. creative destruction

نیروی برانگیزاننده در توسعه‌ی اقتصادی جامعه لازم و ضروری است (کاراکو و هوگست^۱، ۱۹۸۹). تایکن و هورناد^۲ (۱۹۹۷) کارآفرینان را مترادف با صفاتی مانند جسور، مخاطره جو، مخاطره پذیر و مجری می‌داند و واژه‌هایی مانند سازگاری، محافظه کاری و روزمرگی را متضاد با کارآفرینی می‌داند. امروزه مطالعه کارآفرینی اهمیت کاربردی پیدا کرده است. این اهمیت فقط به دلیل کمک به کارآفرینان در درک بهتر نیازهای شخصیتشان نیست، بلکه به خاطر سهم اقتصادی فعالیت‌های کارآفرینانه نوپا است. از نظر شاین^۳ (۱۹۹۴)، کارآفرینان واقعی مشاغل جدید را بیشتر به دلایل نوآوری و خلاقیت شروع می‌کنند نه به دلایل اقتصادی. امروزه کارآفرینان به عنوان عاملان یا تسهیل‌گران تغییر در دنیای کسب و کار شناخته شده‌اند، کسانی که فرصت‌هایی را که دیگران نمی‌یابند و یا به‌عنوان مشکل می‌شناسند تشخیص می‌دهند (زالی، ۱۳۸۹).

لیو و دابینسکی^۴ (۲۰۰۱)، در تحقیقات خود نشان دادند جوامعی که برای ابتکار، پاداش و جوایزی در نظر می‌گیرند، یعنی ابتکار را تشویق می‌کنند، بیشترین نرخ کارآفرینی را داشته‌اند. لاندستروم و استیونسون^۵ (۲۰۰۱) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های شخصیتی در موفقیت و کسب و کار بسیار مؤثرند. پشتکار و علاقه شدید و یا هرگونه تغییری که بتواند تاثیر گذار در رشد و موفقیت و کسب و کار و توسعه کارآفرینی باشد و بتواند توانایی کارآفرینی را پیش‌بینی کند ارزشمند است. ریچارد و چروتیز^۶ (۲۰۰۲)، عقیده دارد که کارآفرینان افراد موفقی هستند که این موفقیت ناشی از دلایل زیر است: ۱- بینش و اکتشاف

-
1. Kurako & Hogetts
 2. Taycken & Hornad
 3. Schein
 4. Liu S.S. & Dubinsky
 5. Lundstrom & Stevenson
 6. Richard & Cherwitz

۲- مالکیت و مسئولیت‌پذیری ۳- تفکر خلاق ۴- مشارکت و کار گروهی (به نقل از دیداب، حضوری و علیپور، ۱۳۸۹).

در تحقیقی که لازر^۱ (۲۰۰۳)، انجام داد وی نتیجه گرفت که کارآفرینان افراد همه‌کاره‌ای هستند که با وجود داشتن مهارت‌های زیاد، در هیچ‌کدام از آن‌ها متبحر نیستند، وی همچنین می‌نویسد که افراد با مهارت‌های متوازن بیشتر از افراد دیگر احتمال دارد که کارآفرین شوند و همچنین در تحقیق خود نتیجه گرفت که کارآفرینان اغلب بزرگسال تا مسن بوده، اکثراً مرد و اغلب دوره‌های کارآفرینی را گذرانده‌اند. کاسون^۲ (۲۰۰۳)، طی تحقیقی نتیجه می‌گیرد که محیط پیرامون کارآفرین در پرورش روحیه کارآفرینی نقش مؤثری دارد و شغل خانواده و خصوصاً والدین در کارآفرین بار آوردن افراد مؤثر است.

طبق تحقیقات انجام شده به دست داوری (۱۳۸۲)، وی در مورد ویژگی‌های کارآفرینان به نتایج زیر دست یافت: براساس ارتباطات برقرار شده با بیش از بیست تن از کارآفرینان بخش خصوصی کشور، خصوصیات اخلاقی و حرفه‌ای مشترک میان ایشان را می‌توان به صورت زیر جمع بندی کرد: صریح، صمیمی، مهربان، خوش برخورد، واقع‌نگر، عمقی‌نگر و جامع‌نگر بوده و همچنین پویا، دارای پشتکار، بلند همت، دارای صداقت، خطرپذیر، داشتن اعتماد به نفس، قابلیت تحمل ابهام و علاقه مندی به اثر گذاری، عشق به کار، فرایند گرایی و هدف گرایی و داشتن تفکر سیستماتیک و ... نیز از دیگر ویژگی‌های کارآفرینان است. شایان ذکر است که سن غالب این افراد بین سی سال تا چهل سال بوده است (به نقل از مشایخ، ۱۳۸۳).

در تحقیق اصلانی (۱۳۸۶)، به مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه‌های سستی و از راه دور پرداخته و تنها در بین ویژگی خلاقیت بین دو دسته از دانشجویان تفاوت معنادار دیده شده است. سؤالی که اغلب در رابطه با کارآفرینان مطرح می‌شود این است که آیا کارآفرینان متولد می‌شوند یا پرورش می‌یابند؟ تحقیقات افرادی چون جان استوارت میل، مک کله لند و ... بر

1. Lazer
2. Cason

اكتسابی بودن ویژگی‌های کارآفرینی تأکید دارند و پیشنهاد می‌کنند که دوره‌های آموزشی کارآفرینی با هدف تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا و فرصت‌شناس طراحی شود (احمدی مقیم، ۱۳۸۶). تحقیقات و شواهد محکم دیگری مبنی بر تأکید شغل والدین در کارآفرینی و وجود یک الگوی نقش که می‌تواند در خانواده یا محیط باشد را مطرح کرده‌اند (احمدپور، ۱۳۸۱) درحالی که آلن جکوب و تیز^۱ مطرح کرده است که کارآفرینان متولد می‌شوند، نه این که پرورش پیدا می‌کنند (کوهن، ۱۹۸۰). یعنی افراد کارآفرین از نظر ساختار مغزی دارای توانمندی‌های خاصی هستند که موجب رفتارهایی می‌گردد که فرد می‌تواند طبق تعاریف کارآفرینی از فرصت‌ها بهره‌گیری نموده و تمایل به اعمال خطرهای حساب شده در موقعیت‌های مختلف را داشته باشد. پیشرفت مطالعات الکتروفیزیولوژیکی، مقوله جانبی شدن نیمکره‌های مغز و این که هر یک از نیمکره‌ها ظرفیت حمایت از کارکرد خاصی را دارا هستند، مطرح و مورد حمایت قرار گرفته است (به نقل از مولفست و سگالوویتز^۲، ۱۹۸۸).

در ارتباط با تخصیص یافتگی نیمکره‌های مغز، برخی معتقدند که این نیمکره‌ها در آغاز تولد برای کارکرد شناختی خاصی تخصیص نمی‌یابند، بلکه در سال‌های اولیه، تخصیص یافتگی نیمکره‌ها به صورتی تحولی شکل می‌گیرد. برخی دیگر از محققین از جمله آنت (۱۹۷۰)؛ ناگیلاکی و لوی^۳ (۱۹۷۳) عنوان نموده‌اند که تخصیص یافتگی نیمکره‌ها به‌طور وراثتی تعیین می‌شود (مولفست و سگالوویتز^۴، ۱۹۸۸).

بارزترین عدم تقارن کارکردی در انسان به عدم تقارن در اعمال دستی اشاره دارد (جعفری، کریمی، سازمند و ملایری، ۱۳۸۶) و دست برتری یا ترجیح دستی به عنوان ترجیح غالب یک دست در آزمون‌هایی که با یک دست انجام می‌شود تعریف شده است (علی‌پور، ۱۳۸۵).

-
1. Alan Jacobwitz
 2. Molfese & Segalowitz
 3. Nagilaky & Loey
 4. Molfese & Segalowitz

راست‌دست‌ها و چپ‌دست‌ها حداقل از دوره‌ی پارینه‌سنگی باهم زندگی کرده‌اند (ریموند و فاری^۱، ۲۰۰۴) اما چپ‌دست‌ها در همه‌ی جمعیت‌های انسانی در اقلیت بوده و هستند یعنی حدود ۱۰ درصد جمعیت را شامل می‌شوند (پیموند و پونتیر^۲، ۲۰۰۴).

علی‌پور (۱۳۸۵) میزان شیوع راست‌برتری، دو سوتوانی و چپ‌برتری را به ترتیب ۸۲/۷، ۱۰/۷ و ۷ درصد گزارش کرده است. در پژوهش دیگری بر روی کودکان ۹-۶ سال میزان چپ‌برتری و دو سوتوانی ۱۵ درصد گزارش کرده و در میان گروه سنی ۹/۵ سال ۱۱ درصد افراد تیزهوش و ۱۶/۴ درصد افراد عادی چپ‌دست بوده‌اند (رگال^۳، ۱۹۹۶).

برخی پژوهشگران از مزایای چپ‌برتری نیز سخن می‌گویند، از جمله این که، چپ‌دستی بر شیوه تفکر اثر می‌گذارد و در چپ‌دست‌ها پردازش اطلاعات به صورت همزمانی دیداری^۴ است یعنی در روش‌های حل مسئله و آموزش‌های دانشگاهی که مستلزم بینایی باشد چپ‌برترها، قوی‌تر عمل می‌کنند (لواندر و سچالین^۵، ۱۹۸۹). یا در رشته‌های مهندسی و معماری چپ‌دست‌ها بیشترند و توانمندی ادراک فضایی چپ‌ان‌ها نیز بیشتر از راست‌برترهاست (کلب و ویشو^۶، ۲۰۰۹). ارنستین (۱۹۷۳) معتقد بر این است که نیمکره‌ی چپ مستعد تفکر تحلیلی و منطقی است، در حالی که بانیک و هلر^۷ (۱۹۹۸) عنوان می‌کند که این نیمکره برای پردازش داده‌های کلامی اختصاص یافته است (به نقل از رابرتس و بل^۸، ۲۰۰۳).

آنت (۲۰۰۲) معتقد است که افراد چپ‌دست گرایش به عملکرد فضایی بهتری نسبت به افراد

1. Faurie & Raymond
2. Paymond & Pontier
3. Regal
4. visual synchronization
5. Levander, Levander & Schalling
6. Kolb & Wisho
7. Cohbanich & Holar
8. Roberts

راست دست دارند و نظریه پردازان دیگری چون پیترز، ریموز^۱، منینگ^۲ (۲۰۰۶) و لوی^۳ (۱۹۶۹) بر این باورند که راست دست برترها و چپ دست برترها در سازمان دهی مخ متفاوت هستند (به نقل از هایبارد^۴، ۱۹۹۷).

برخی مطالعات چپ دستی را از جنبه آسیب‌شناختی بررسی کرده‌اند. به طور مثال، کاهش طول عمر افراد چپ دست گزارش شده که ممکن است به خاطر تصادفات ناشی از زندگی در جهانی باشد که برای راست‌دست‌ها ساخته شده است، اما برخی دیگر این تفاوت در طول عمر را قایل نمی‌شوند (کورن و هالپرن^۵، ۱۹۹۱).

محققان بازدارندگی بیشتر در چپ دست‌ها (رایت، هاردی و ویلسون، ۲۰۰۹) و به طور کلی ارتباط چپ دستی با اختلالات روان‌آسیب‌شناسی و ایمنی (مندل^۶، ۲۰۰۱؛ مکنیون^۷، ۱۹۹۴) را گزارش کرده‌اند.

میلر (۱۹۷۴) معتقد است که چپ برتری ناشی از آسیب‌های مغزی اوایل زندگی است و پژوهش دیگری حاکی از این است که چپ دست‌ها سه برابر بیشتر از سایرین مشکلات رفتاری و تحلیل و عملکرد پائین در حافظه یادگیری و توجه دارند (به نقل از ریموند و پوینتر^۸، ۲۰۰۴).

لوی (۱۹۶۹) در بررسی دانشجویان فوق لیسانس دریافت که چپ دست‌ها نمرات پایین تری نسبت به راست دست‌ها در هوش فضایی به دست می‌آورند (به نقل از هایبارد^۹، ۱۹۹۷).

بر پایه نظریه آنت (۱۹۹۴) راست برترها به احتمال زیاد دارای تسلط نیمکره ای چپ برای زبان هستند، از راهبردهای کلامی برای حل مسائل استفاده می‌کنند و برای توانایی فضایی، ضعیف و در

1. Reimers
2. Manning
3. Looey
4. Hibbard
5. Coren & Halpern
6. Mandal
7. Macniven
8. Ramadnoni
9. Hibbard

خطر هستند. ارنستین (۱۹۷۳) معتقد بر این است که نیمکره‌ی راست مستعد فرآیندهای فکری کلی نگر و شهودی است (به نقل از برانون^۱، ۱۹۹۹). همچنین بانچ و هلر^۲ (۱۹۹۸) عنوان کرده است که نیمکره‌ی راست برای پردازش اطلاعات در تحلیل داده‌های فضایی اختصاص یافته است (به نقل از روبرت و بیل، ۲۰۰۳).

در مجموع یافته‌های تحقیقات مربوط به دست برتری متناقض بوده و تفسیرها همچنان مبهم است و با توجه به اهمیت و ضرورت کارآفرینی به عنوان نوعی خلاقیت و نوآوری در تکامل تمدن جامعه بشری و همچنین نقش کارآفرینان در این تکامل و با توجه با این امر که شیوه‌های تعلیم و تربیت امروزه به سمت آموزش‌های نیمه حضوری و غیر حضوری است. در این روش محور آموزش از معلم به دانش‌آموز و ابزارهای ارتباطی نهاده می‌شود و دانش‌آموزان به جز ساعت‌های محدودی ضرورتی برای حضور در کلاس‌های درس ندارند و از این نظر فراغت لازم برای راه‌اندازی کسب و کار (کارآفرینی) هم زمان با تحصیل را دارند و با توجه به این که کارآفرینی در طول دوران رشد پرورش می‌یابد و کارآفرینی افراد به شرایط زیستی، فرهنگی و اجتماعی بستگی داشته و یکی از عوامل تاثیرگذار زیستی در کارآفرینی ساختار مغزی افراد و تاثیر آن در چگونگی پردازش اطلاعات و روش‌های حل مسئله است می‌توان جانی شدن مغز یعنی تسلط هر کدام از نیمکره‌ها را با توجه به عملکرد خاص آن‌ها در کارآفرینی افراد مؤثر دانست و دست برتری مؤلفه‌ای است که بر اثر تفاوت در ساختار مغزی صورت می‌پذیرد؛ بنابراین می‌توان به عنوان متغیری ارزشمند در پیش‌بینی ویژگی‌های کارآفرینی مورد بررسی قرار داد. به ویژه این که تاکنون مطالعه‌ای در ارتباط با رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی با دست برتری گزارش نشده است. در پژوهش حاضر این سؤال‌ها مطرح و بررسی شدند: آیا دست برتری بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان (ریسک پذیری، مرکز کنترل درونی، توفیق طلبی، خلاقیت، تحمل ابهام و استقلال) تأثیر دارد؟

1. Brannon
2. Bantig Vehlar

روش

جامعه، نمونه و روش، نمونه‌گیری: برای بررسی رابطه میان دست برتری با متغیرهای مذکور چون ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، در پژوهش حاضر تعداد ۱۱۰۱ آزمودنی (شامل ۶۲۵ زن و ۴۷۶ مرد) که ۱۰۳ نفر چپ‌دست و ۹۹۸ نفر راست دست به روش نمونه برداری تصادفی خوشه‌ای از میان دانش‌آموزان شهر تهران انتخاب شدند. برای انتخاب آزمودنی‌ها ابتدا ۲۲ منطقه شهر تهران در نظر گرفته شده و از میان آن‌ها ۸ دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شد و از هر دبیرستان به طور تصادفی ۵ کلاس انتخاب شدند. تعداد نمونه حاضر بر اساس منطق اندازه نمونه در برآورد نسبت‌ها (هومن، ۱۳۸۲) و با توجه به گزارش میزان حداقل شیوع راست دست‌ها (۸۲/۷) در تحقیق علی‌پور (۱۳۸۵) انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی کردنائج، زالی و شمس (۱۳۸۶) و آزمون پرسشنامه دست برتری ادینبورگ (۱۹۷۰) استفاده شد.

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی و کارآفرینی: این پرسشنامه را اسدالله کردنائج، زالی، شمس و هومن (۱۳۸۶) ساخته که شامل ۳۰ سؤال است که هر ۵ سؤال به اندازه‌گیری یک مقیاس از شش مقیاس ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی که عبارت‌اند از: «ریسک‌پذیری، مرکز کنترل درونی، توفیق طلبی، خلاقیت، تحمل ابهام و استقلال» می‌پردازد. روایی و اعتبار این پرسشنامه را کردنائج و همکاران (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار داده و آلفای کرونباخ آزمون مذکور ۰/۹۲ گزارش شده است. که این نشان دهنده‌ی اعتبار بالای این پرسشنامه است.

پرسشنامه‌ی دست برتری ادینبورگ: این پرسشنامه را اولد فیلد^۱ (۱۹۷۱) ساخته که شامل ۱۰ گویه است، روایی و اعتبار این پرسشنامه در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در پژوهش علی‌پور و آگاه هریس (۱۳۸۶) آلفای کرونباخ آزمون مذکور ۰/۹۷ به دست آمده است. همچنین همبستگی دو نیمه آزمون ۰/۹۴ گزارش شده است. بر اساس دستورالعمل،

1. Old Fild

توزیع متفاوت مؤلفه‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان چپ دست و راست دست

پرسشنامه‌ی دست برتری ادینبورگ بهره‌جانبی شدن محاسبه می‌شود که عددی بین +۱۰۰ تا -۱۰۰ است. عدد +۱۰۰ نشانه راست دستی کامل و عدد -۱۰۰ نشانه چپ دستی کامل است (علی‌پور و آگاه‌هریس، ۱۳۸۶).

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از نسخه ۱۷ نرم افزار SPSS علاوه بر روش‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار متغیرها و نیز رسم نمودارهای لازم از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری و تحلیل واریانس یکراهه برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

نتایج

نتایج جدول ۱ نشان دهنده میانگین نمرات کارآفرینی آزمودنی‌ها در دو گروه راست برتر و چپ برتر به تفکیک جنسیت است:

جدول ۱. میانگین‌ها و انحراف معیارهای نمرات کل کارآفرینی به تفکیک دست برتری					
متغیر وابسته	دست برتری	جنسیت	تعداد	M	SD
چپ دست	زن		۵۰	۹۰/۱۸	۶/۷۷
	مرد		۵۳	۹۱/۲۸	۸/۳۱
	کل		۱۰۳	۹۰/۷۵	۷/۵۹
کارآفرینی	زن		۵۷۵	۹۱/۲۸	۸/۲۹
	مرد	راست دست	۴۲۳	۹۱/۱	۹/۹۳
	کل		۹۹۸	۹۱/۲	۹/۰۲
کل آزمودنی‌ها	زن		۶۲۵	۹۱/۱۹	۸/۱۸
	مرد		۴۷۶	۹۱/۱۲	۹/۷۶
	کل		۱۱۰۱	۹۱/۱۶	۸/۸۹

جدول ۱ نشانگر این است که میانگین و انحراف معیار نمرات کارآفرینی و دست برتری به ترتیب در افراد چپ دست برابر ۹۰/۷۵ و ۷/۵۹ و در افراد راست دست برابر ۹۱/۲ و ۹/۰۲ است. در جدول ۲ آزمون تحلیل واریانس تأثیر دست برتری بر ویژگی شخصیتی کارآفرینی آورده

شده است.

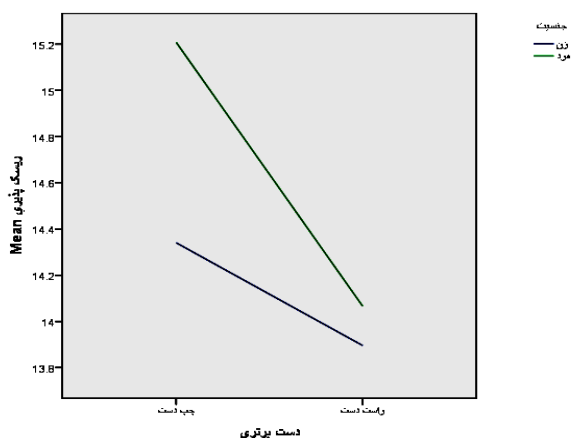
همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تفاوت معنی‌داری بین نمرات کارآفرینی ($F=0/25$)، مرکز کنترل درونی ($F=2/67$)، خلاقیت ($F=1/03$)، تحمل ابهام ($F=3/14$) و استقلال ($F=1/85$) در راست دست‌ها و چپ دست‌ها مشاهده نشد ولی تفاوت معنی‌داری بین نمرات خطرپذیری ($F=6/3$) و توفیق طلبی ($F=4/66$) که از متغیرهای مؤثر در کارآفرینی است در راست دست‌ها و چپ دست‌ها در سطح $0/05$ مشاهده شد.

جدول ۲. مقایسه‌ی افراد راست دست و چپ دست در ویژگی‌های شخصیتی و کارآفرینی

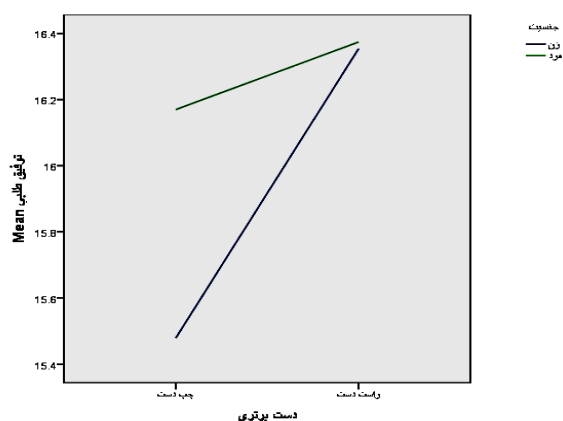
متغیر وابسته	متغیر مستقل	SS	df	Ms	مجدور سهمی تا	F	سطح خطا	p
کارآفرینی	دست برتری	۱۹/۵۱	۱	۱۹/۵	۰/۰۰۵	۰/۲۵	۰/۶	۰/۰۷۹
خطرپذیری	دست برتری	۵۸/۵۲	۱	۵۸/۵۲	۰/۰۰۶	۶/۳	۰/۰۱	۰/۷۰۸
مرکز کنترل درونی	دست برتری	۱۴/۹	۱	۱۴/۹	۰/۰۰۲	۲/۶۷	۰/۱	۰/۳۷۲
توفیق طلبی	دست برتری	۲۶/۹۸	۱	۲۶/۹۸	۰/۰۰۴	۴/۶۶	۰/۰۳	۰/۵۷۸
خلاقیت	دست برتری	۶/۳۹	۱	۶/۳۹	۰/۰۰۱	۱/۰۳	۰/۳۱	۰/۱۷۳
تحمل ابهام	دست برتری	۲۳/۱۵	۱	۲۳/۱۵	۰/۰۰۳	۳/۱۴	۰/۰۸	۰/۴۲۵
استقلال	دست برتری	۵۸/۱	۱	۵۸/۱	۰/۰۰۲	۱/۸۵	۰/۱۸	۰/۲۷۴

نمودار ۱ نشان می‌دهد که میزان ویژگی شخصیتی ریسک‌پذیری در بین دانش‌آموزان چپ دست بیشتر از دانش‌آموزان راست دست است.

نمودار ۲ نشان می‌دهد که میزان ویژگی شخصیتی توفیق طلبی در بین دانش‌آموزان راست دست بیشتر از دانش‌آموزان چپ دست است.



نمودار ۱. تعامل جنسیت و دست برتری در ریسک پذیری



نمودار ۲. تعامل جنسیت و دست برتری در توفیق طلبی

بحث و نتیجه گیری

تحلیل نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهای ریسک‌پذیری و توفیق‌طلبی ویژگی‌های کارآفرینی با دست برتری رابطه معنی‌دار وجود دارد به این صورت که چپ‌دست‌ها در متغیر ریسک‌پذیری نمره بالاتری دریافت کرده‌اند و در متغیر توفیق‌طلبی راست‌دست‌ها نمره بالاتری

را اخذ کرده‌اند.

با توجه به نظر کانتیلون کسی که ابتدا واژه کارآفرین را گسترش داد و کارآفرینی را به‌عنوان فردی که ریسک سود و زیان را تحمل کرده و به ریسک‌پذیری به‌عنوان یک عنصر اصلی کارآفرینی می‌نگرد (جون^۱، ۲۰۰۶) و طبق تحقیقات هافستد^۲ (۲۰۰۵) که نتیجه‌گیری می‌کنند مردم خطرپذیر و کارآفرین فرصت‌های مولد و کارکرد متوالی در یک محیط نامطمئن را جستجو و درک می‌کنند و تحت شرایط پرخطر وحشت زده نمی‌شوند، می‌توان نتیجه گرفت که افراد چپ دست با توجه به شرایط دشوار که در جامعه برای آن‌ها به‌طور اجباری مهیا شده است قدرت ریسک‌پذیریشان از افراد راست دست رشد بیشتری کرده است و این امر می‌تواند موجب توفیق آنان در اقدام به فعالیت‌هایی باشد که نیاز به ریسک‌های اقتصادی و تولیدی وجود داشته باشد.

این پژوهش با تحقیق بوچن نوگ^۳ (۲۰۰۶) که دریافته‌اند افراد کارآفرین دارای رفتار نوع A یعنی تمایل به انجام کار بیشتر در زمان کمتر می‌باشد نیز همسو است.

ضمناً طبق نظر مقیمی (۱۳۷۱) که کارآفرین را به‌عنوان کسی که تغییرات محیطی را یک فرصت می‌بیند و از شرایط و عوامل تولید برای تولید کالاها یا خدمات جدید بهره می‌گیرد می‌توان نتیجه گرفت که چپ دستی به‌عنوان عاملی می‌تواند باشد که فرد توان مقابله و مواجهه بهتر با شرایط جدید را پیدا می‌کند و فشارهای فرهنگی برای استفاده از دست راست توان افراد چپ دست را در مواجهه با موقعیت‌های مختلف در شرایط متعدد فراهم کرده است.

در تحقیقات لطفی و علی پور (۱۳۸۹) در رابطه با افزایش شیوع چپ برتری در مقاطع بالاتر تحصیلی تأیید بر این موضوع است که چپ دست‌ها افرادی هستند که در مقایسه با راست دست‌ها خود را در معرض چالش‌های زندگی بیشتر قرار می‌دهند و برای موفقیت در این چالش‌ها نیز راه کارهایی را دارند و این یکی از دلایل بالا بودن تعداد افراد چپ دست در مقاطع بالاتر تحصیلی است.

-
1. Jun
 2. Hofestede
 3. Bouckenooghe

با توجه به این که بسیاری از محققان (کلینز و همکاران، ۲۰۰۳؛ کچیو، ۲۰۰۳؛ گرمیه، ۲۰۰۰) توفیق طلبی را به‌عنوان یک قضیه کلیدی کارآفرینی می‌پندارند و توفیق طلبی را نیاز فرد به کوشش فراوان برای به‌دست آوردن موفقیت مشخص می‌کنند، بنابراین افراد با نیاز بالای توفیق طلبی تمایل به پذیرش مسئولیت به‌منظور انجام وظایف ضروری بوده و خواستار نشان دادن ابتکار عمل، برنامه‌ریزی و کنترل حوادث در عملکردشان است. افراد با نیاز بالای توفیق طلبی زمان را برای تفکر درباره انجام دادن بهتر کارها صرف می‌نمایند (هافستد، ۲۰۰۵).

تحقیقات توماس بگلی و لیلنگ (۲۰۰۱) نشان داده جوامعی که ابتکار را تشویق می‌کنند بیشترین نرخ کارآفرینی را دارند و با توجه به نتیجه تحقیق حاضر می‌توان گفت که افراد راست دست در ویژگی نیاز به توفیق طلبی نمره بالاتری می‌گیرند نشان دهنده این است که دنیا به نفع راست دست‌ها طراحی شده و همواره آن‌ها به‌خاطر توفیقاتی که دارند مورد تشویق بیشتری در مقایسه با چپ دست‌ها قرار می‌گیرند و این نیاز در آنان تقویت می‌شود.

پژوهش حاضر در بررسی رابطه بین دست برتری و ویژگی خلاقیت با پژوهش‌های قبلی از جمله کلب و ویشو^۱ (۲۰۰۹) و لواندر و اسخالینگ^۲ (۱۹۸۹) که معتقدند چپ دستی بر شیوه تفکر اثر می‌گذارد و چپ دست‌ها در روش‌های حل مسئله و توانمندی ادراک فضایی قوی‌تر از راست دست‌ها هستند همسو نیست. از تحقیق حاضر می‌توان چنین استنباط کرد که خلاقیت که همانا توانایی خلق ایده‌های جدید است که این ایده‌ها ممکن است به محصولات یا خدمات جدید نیز منجر شوند (سعیدی کیا، ۱۳۸۲) نه تنها نیازمند توانمندی متفاوتی در ساختار مغزی است جامعه نیز باید بتواند شرایط پرورش خلاقیت را ایجاد نماید و شرایط را برای افراد چپ دست آن‌قدر مهیا نیست که بتوانند توانمندی بالقوه مغزی آنان در بروز خلاقیت شکوفا سازد.

با توجه به این که موضوع کارآفرینی موضوعی بین رشته‌ای است و در این پژوهش سعی شده است صرفاً به جنبه‌های روان‌شناختی موضوع پرداخته شود، محقق برای تبیین برخی از نتایج با

1. Kolb & Wishaw
2. Levander & schaling

محدودیت مواجه می‌شود ضمناً در تحقیق حاضر عامل سن، توانایی و تجربه کنترل نشدند از این جهت عاملی که ممکن است بر این نتایج تأثیر گذاشته باشد سن آزمودنی‌هاست و عامل تأثیرگذار دیگر بر تعمیم نتایج استفاده از پرسشنامه به منظور جمع‌آوری اطلاعات است که موجب افت در پاسخ‌گویی و سعی در دادن پاسخ‌های مورد انتظار پژوهشگر است.

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهایی کاربردی و پژوهشی به شرح زیر ارائه می‌گردد: در تحقیقات آتی گروه‌های مختلف سنی بررسی و عوامل دیگری همچون تجربه و توانایی آزمودنی‌ها کنترل شده و رابطه رشته تحصیلی و میزان موفقیت و رضایتمندی شغلی آزمودنی‌ها نیز در نظر گرفته شود و تحقیقات بیشتری در این زمینه با جوامع آماری دیگر و با سطح گسترده‌تر و در مثال‌ها و زمان‌های مختلف انجام پذیرد و نتایج حاصل از آن با تحقیق حاضر مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. با انجام پژوهش‌هایی مقایسه‌ای، پیشایندهای روان‌شناختی کارآفرینی در گروه‌های کارآفرین و غیر کارآفرین و متغیرهای غیر روان‌شناختی، همچون حمایت‌های اجتماعی، سبک‌های مدیریتی، ویژگی‌های خانوادگی، خرده فرهنگ‌ها و نظایر این‌ها با دست برتری مورد بررسی قرار گیرد.

ضروری است مراکزی برای تشخیص و سنجش ویژگی‌های کارآفرینی شامل افراد مشخص در رشته‌های روان‌شناختی، اقتصاد و مدیریت ایجاد گردد تا اطلاعات و بینش‌های مناسب را در اختیار افرادی که تصمیم به تأسیس شرکت‌های نوپا دارند و همچنین افراد کارآفرین قرار دهند. پیشنهاد می‌شود با توجه به این که توفیق طلبی جزو ویژگی‌های مؤثر در کارآفرینی در راست دست‌ها به طور معنی داری بالاتر است در سازمان‌ها و مراکز آموزشی برنامه‌هایی جهت پرورش توفیق طلبی ایجاد شود و با توجه به این که افراد چپ دست به طور معنی داری در ویژگی ریسک‌پذیری کارآفرینی بالاتر هستند پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها و نهادها در سازمان‌بندی گروه‌ها حتماً افراد چپ دست را در کنار افراد راست دست قرار دهند.

منابع

- احمدی مقیم، عباس (۱۳۸۶). کارآفرینی، همدان: انتشارات فراگیر هگمتانه.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها)، چاپ چهارم. تهران: انتشارات پردیس ۵۷.
- اصلانی، فرشید (۱۳۸۶). مقایسه‌ی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه‌های سنتی (حضور) و از راه دور (پیام نور) استان اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت دولتی. دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران.
- زالی، محمدرضا (۱۳۸۹). به سوی نظریه‌ی رهبری وضعی کارآفرینانه، مجله‌ی توسعه کارآفرینی. ۳(۱۲)، ۴۱-۵۶.
- داوری، دردانه (۱۳۸۲). «آیا امروز هم می‌توان در ایران کارآفرین بود؟» ویژه‌نامه‌ی کارآفرین، شماره‌ی ۲۱.
- دیداب، سپیده؛ حضوری، محمدجواد و علیپور، احمد (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های شناختی گریگوریک با کارآفرینی در دانشجویان پیام‌نور. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۲). آشنایی با کارآفرینی. چاپ اول. تهران: نشر سپاس.
- مقیم، سیدمحمد (۱۳۷۱). سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی. تهران: نشر ترمه، چاپ اول.
- هیأت نویسندگان (۲۰۰۱). مقدمه‌ای بر کارآفرینی (ترجمه سیامک نطق، ۱۳۸۳). تهران: انتشارات کوهسار، چاپ سوم.
- لطفی، حمید و علی‌پور، احمد (۱۳۸۹). مقایسه‌ی شیوع دست برتری در مقاطع تحصیلی دانشگاهی: تفاوت‌های جنسیتی و آثار علمی- پژوهشی. روان‌شناسی معاصر، ۵(۱)، ۶۴-۴۹.
- علی‌پور، احمد و آگاه هریس، مژگان (۱۳۸۶). بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار پرسشنامه‌ی دست برتری ادینبورگ در ایران. مجله‌ی علوم روان‌شناختی، ۲۲، ۱۳۳-۱۱۷.
- علی‌پور، احمد؛ آگاه هریس، مژگان و یوسف‌پور، ناهید (۱۳۸۶). سرعت بریل خوانی با کدام دست بیشتر است؟ مجله‌ی پژوهش در حیطه‌ی کودکان استثنائی، ۱، ۴۲-۳۴.
- علی‌پور، احمد (۱۳۸۵). بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار آزمون دست برتری چاپمن در دانش‌آموزان

راهنمایی. فصلنامه‌ی روان‌شناسان ایرانی، ۱۹۷، ۲۰۷-۲۰۵.

کردنائج، اسدالله؛ زالی، محمدرضا؛ شمس، شهاب‌الدین و هومن، حیدرعلی (۱۳۸۶). *ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

هومن، عباس (۱۳۸۲). *راهنمای علمی پژوهش‌های تربیتی*. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.

مشایخ، فرحناز (۱۳۸۳). *بررسی رابطه پایگاه اجتماعی خانواده و میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه شیراز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشگاه شیراز.

Annet, M. (1994). Handedness as a continuous variable with dextral shift: sex, orientation and family handedness in subgroups of left and right handers. *Behavioral Genetics*, 14, 427-480.

Annet, M. (1992). Spatial ability in subgroups of left- and right-handers. *British Journal of Psychology*, 83, 493-515.

Annett, M. (1970). *A classification of hand preference by association analysis*. *British Journal of Psychology*, 61, 303-321.

Annett, M. (2002). *Handedness and brain asymmetry: the right shift theory*. Hove: Psychology press.

Brannon, L. (1999). *Gender: psychological Perspectives*. 2nd ed. Allyn and Bacon.

Bouckenooghe, D., Cools, E., & Van Den. B. H. (2006). The cognitive style indicator: development of a new measurement instrument, Vlerick Leuven Gent Working paper series, 10, 1 – 51.

Chapman, L. J., & Chapman, J. P. (1987). The measurement of handedness. *Brain and Cognition*, 6, 175-183.

Coren, S., & Halpern, D.F. (1991). Left-handedness: A marker for decreased survival fitness. *Psychology Bulletin*, 109, 90-106.

Casson, Mark. (2003). *Entrepreneurship*, London: Edward Elgar Kilby, p. (1971). *Entrepreneurship and Economic Development*. New York: Free Press.

Cohen, N. (1980). The five ages of the entrepreneur. *Venture*, 40-42. (c 982364).

Faurie, C. & Raymond, M. (2004). Handedness, homicide and negative frequency-dependent selection. *Proceedings of the royal society*, 271, s43-s45.

Franks, C. (2007). Gene for left-handedness. *The Journal of Molecular Psychiatry*, 47, 25-32.

Begly, T. M. & Leylang, D. P. (2001). On predicting some of the people some of the Time: The search for cross-situational consistencies in behavior. *Psychological Review*, 81, 506-520.

Hofstede, G. (2005). *Cultural Dimensions*, www.Greet Hofstede.com

Hibbard, J.G. (1996-1997). Handedness, Individual Differences... *Human-computer Interaction*. Available online: <http://bpm.... Indiana. Edu/ scholarship/ hibbard. Shtml>.

Jun, Z. (2006). Development of theory on entrepreneurial orientation: Empirical evidences from Hebei, China and Flanders, *Belgium*: Ghent University, Department of

- management and entrepreneurship , Faculty of Economics and Business Administration, Doctral thesis in Applied Economic Science.
- Kolb, B., & Whishaw, I. Q. (2009). *Fundamentals of Human Neuropsychology*. New York, NY: Worth publishers.
- Kilby, p. (1971). *Entrepreneurship and Economic Development*. New York: Free Press.
- Kuratko, D. and Hodgetts, R. (1989). *Entrepreneurship: A Contemporary Approach*. (3rd ed.) NY: The Dryden Press.
- Lazer. M. (2003). Entrepreneurship and development. *American Economic Review*, 38,2,27-83.
- Lun dstrom. (2001).The effects of Parntal firm control. A aeinterpretation of findings. *Psychological Bulletin*, 90,547-563.
- Liu S. S., & Dubinsky, A. J. (2000). Institutional entrepreneurship Apanacea for universities–in–transition, *European Journal of Marketing*, 34, 11- 12.
- Levander, M., Levander, S.E., & Schalling, D. (1989). Hand preference and sex as determinants of neuropsychological skill, solving strategy and side preference. *Intelligence*, 13, 93-111.
- Macniven, E. (1994). Increased prevalence of left-handedness in victims of head trauma. *Brain Injury*, 8, 457-462.
- Mandal, M.K., & Dutta, T. (2001). Left handedness: Facts and figures across cultures. *Psychology & Developing Societies*, 2, 173- 191.
- Milenkovic, S. (2004). Left handedness and spire deformities in early adolescence. *European Journal of Epidemiology*, 10, 969-972.
- Molfese.D.L, Segalowitz, S.J. (1988). *Brain lateralization in children*. Guilford Press.
- Natsopoulos, D., Kiosseoglou, G. & Xerometritou, A. (1992). Handedness and spatial ability in children: further support for Geschwidn's hypothesis of :pathology of superiority: and for Annett's theory of intelligence. *Genetic, Social and General Psychology Monographs*, 118, 103-126.
- Pinel, J.P. (2000). *Biopsychology*. (4Edition). USA: Allyn & Bacon.
- Oldfild, R.C. (1971). The assessment and analysis of handedness: The Edinburgh Inventory. *Journal of Neuropsychology*. 9, 97 -113.
- Peters, M., Reimers, S., & Manning, J. T. (2006). Hand preference for writing and associations with selected demographic and behavioral variables in 255, 100 subjects: The BBC internet study. *Brain and cognition*, 62, 177-186.
- Raymond, M., & Pontier, D. (2004). *Is there geographical variation in human handedness?* *Laterality*, 9, 35-52.
- Rayth, Hardy & Wilson.(2001). The relationship between learning style and cognitive style, *Personality and Individual Differences*, 30, 609 – 616 .
- Ramadhani, M.K. (2006). *Pathological left handedness revisited: origins and later life health outcomes*. Unpublished doctoral dissertation, Utrecht university. Retrieved from <http://igitur-archive.library.uu.nl/dissertations/2006-0526-00045/UUindex.html>.
- Raymond, M., & Pontier, D. (2004). *Is there geographical variation in human handedness?* *Laterality*, 9, 35-52.
- Regal, R. (1996). Right–left orientation, mental rotation, and perspective-taking: when

- people see from their own viewpoint? *Perceptual and Motor skills*, 83, 831-842.
- Roberts, J.E., & Bell, M. A. (2003). Two- and three-dimensional mental rotation tasks lead to different parietal mental rotation tasks lead to different parietal laterality for ment and women. *International Journal of psychophysiology*, 20, 235- 246.
- Schumpete, J. A. (1934). *The Theory of Economic Development*. Camlridge, Mass: Hrvard University Press.
- Schein, E. H. (1994). Entreprenurs: what they, re really like. *Vocational Education Journal*, 64 (80), 42-44. (c 971204).
- Taycken & Hogetts.(1997). Psychology and adult learning style inventory 1985, review and further study of validity and reliability, university-sydney, British journal of educational psychology, 66, 252 -262.
- Wilkinson, J.M., & Carr, T. H. (1987). Strategic hand use preferences and hemispheric specialization in tactual reading: Impact of the demands of perceptual encoing. *Brain and Language*, 32, 97-123.
- Wright. L., Hardie, S. M., & Wilson, K. (2009). Handedness and behavioral inhibition: Left- handedfemales show most inhibition as measured by BIS/BAS self-report. *Personality and individual differences*, 46, 20-24.